

مدیریت تعارض منافع مسئولان و کارگزاران نظام برای پیشگیری از فساد

سعید سیاه‌بیدی کرمانشاهی^۱

محسن کوهستانی^۲

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

تعارض منافع مجموعه شرایطی است که این خطر را ایجاد می‌کند که تصمیم یا اقدامات حرفه‌ای درباره منفعت اولیه به صورت ناروا تحت تأثیر منفعتی ثانویه قرار گیرد؛ به عبارت دیگر ارتباط منافع شخصی افراد با وظیفه حرفه‌ای آنان که سبب نگرانی معقولی از تحت تأثیر قرار گرفتن اقدامات حرفه‌ای باشد. بحث تعارض منافع در حقوق عمومی اهمیت بسزایی دارد و تحقیقات بسیاری در این زمینه انجام شده است. این امر به دلیل بالا بردن شفافیت فضای انجام اعمال و ارائه خدمات عمومی، ارتقای نظام سلامت اداری و جلوگیری از فساد می‌باشد و هدف غایی آن جلوگیری از مخدوش شدن اعتماد مردم به دولت است. با توجه به ضرورت و اهمیت مدیریت تعارض منافع، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که روش‌های مدیریت صحیح تعارض منافع مشتمل بر چه مواردی است؟

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مدیریت صحیح مشتمل بر دو مرحله مدیریت پیشگیرانه و مدیریت برخوردمدار است. مصادیق مدیریت پیشگیرانه تعارض منافع عبارت‌اند از ممنوعیت استفاده از اطلاعات، محدودیت در شرکت در جلسه و تصمیم‌گیری، گزارش‌دهی منابع درآمدها، محدودیت مشاغل، محدودیت در انجام معامله با دولت و محدودیت در گرفتن هدیه. مصادیق مدیریت برخوردمدار نیز عبارت است از ابطال اعمال و تصمیمات و پیش‌بینی مجازات.

واژگان کلیدی

تعارض منافع، مدیریت، کارگزاران نظام، فساد.



۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه.
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

تعریف تعارض منافع

از مفهوم تعارض منافع تعاریف مختلفی ارائه شده که جوهر آنها مشترک است. برخی تعارض منافع را به این صورت تعریف کرده‌اند: «تعارض منافع مجموعه شرایطی است که این خطر را ایجاد می‌کند که تصمیم (رای) یا اقدامات حرفه‌ای [شخص] درباره منفعت اولیه به صورت ناروا تحت تأثیر منفعتی ثانویه قرار گیرد» (Institute of Medicine, 2009: 46). در این تعریف، منظور از «منفعت اولیه» اهداف بنیادین حرفه یا فعالیت مزبور نظیر حمایت از منوبّ‌عنه، سلامت افراد یا حفظ اعتماد عمومی در انجام وظایف مأموران رسمی است و منظور از «منفعت ثانویه» منافع شخصی کسی است که تصمیم یا اقدام حرفه‌ای را انجام می‌دهد. برخی دیگر گفته‌اند: «تعارض منافع زمانی وجود دارد که منافع خصوصی شخص با وظایف رسمی وی، مشتمل بر تکلیف عمومی به اجرای اقدامات رسمی به روشی غیر مغرضانه در تعارض است» (Davids, 2008: 37). دادگاه انتاریو در کانادا نیز موقعیت تعارض منافع را این‌گونه تعریف کرده است: «ارتباط منافع شخصی افراد با وظیفه حرفه‌ای آنان که سبب نگرانی معقولی از تحت تأثیر قرار گرفتن اقدامات حرفه‌ای باشد» (میلانی‌فر، بهمن ۱۳۹۰: ۲).

تعاریف فوق هر یک با تأکید بر عنصر خاصی از مفهوم تعارض بیان شده‌اند و پیش‌تر نیز بیان گردید که جوهره اصلی همه تعاریف یک‌سان است. در مقام جمع‌بندی تعاریف مربوط به این مفهوم و ارائه تعریفی جامع که متضمن همه عناصر باشد باید گفت: «تعارض منافع عبارت از وضعیتی است که در آن یک شخص که مسئول حمایت از منافع دیگران (منفعت اولیه) است [به دلیل اعتماد بر وصف امانت‌داری یا بی‌طرفی او]، قادر به اتخاذ تصمیماتی است که آثار این تصمیمات دامن‌گیر دیگران می‌گردد، لیکن به دلیل وجود روابطی خاص میان وی و دیگران، بیم آن وجود دارد که تصمیم‌گیرنده منافع شخصی خود (منفعت ثانویه) را بر منافع دیگران مقدم بدارد.»

عناصر تعریف مزبور عبارت‌اند از:

۱. تعارض منافع وضعیتی است که به دلیل اعتماد به یک شخص به وجود می‌آید؛
۲. مبنای اعتماد به شخص اصولاً یا تکیه بر امانت‌داری (Loyauté) اوست یا تکیه بر بی‌طرفی (impartialité) وی؛



۳. شخص مورد اعتماد قادر به اتخاذ تصمیماتی است که آثار آن دامن‌گیر دیگران می‌شود؛
۴. وجود رابطه یا روابطی خاص میان شخص مورد اعتماد و دیگران باعث به وجود آمدن تعارض منافع است؛
۵. صرف وجود وضعیت تعارض منافع به زیان کسی نیست و مدیریت تعارض منافع در واقع جلوگیری از انحراف احتمالی شخص مورد اعتماد است.

تاریخچه اصطلاح تعارض منافع

این اصطلاح عمر چندان طولانی ندارد و پیشینه استفاده از این اصطلاح چیزی بیش از نیم قرن است. اولین دادگاهی که در پرونده‌ای قضایی این اصطلاح را در مفهومی مشابه مفهوم استاندارد آن به کار برد به سال ۱۹۴۹ بازمی‌گردد.^۱

شروع پیدایش این اصطلاح در کدهای اخلاقی نیز به دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد؛ اگرچه اصطلاحات مرتبط با آن نظیر منفعت مخالف (Adverse interest)، منفعت یا منافع متعارض (Conflicting interest)، جانب‌داری (Bias) و تعصب (Prejudice) پیش‌تر در کدهای اخلاقی بروز و ظهور پیدا کرده‌اند (Field, 2009, 303-304).

مطابق بررسی‌های صورت‌گرفته، مقنن ایرانی تاکنون اصطلاح «تعارض منافع» را در هیچ‌یک از متون قانونی داخلی به کار نبرده است، ولی در دو قانون که مربوط به الحاق به کنوانسیون‌هاست این اصطلاح وجود دارد که البته این اصطلاح در کنوانسیون‌های مزبور به کار رفته و دولت ایران به موجب قوانین مزبور به کنوانسیون‌های ملحق شده است. این قوانین عبارت‌اند از «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد» مصوب ۱۳۸۵/۳/۲۱ مجلس شورای اسلامی که در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۲۰ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام تأیید شد (بند «ث» ماده ۱۲) و قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل ۱۹۹۲ جهت اصلاح کنوانسیون بین‌المللی مسئولیت مدنی ناشی از خسارت آلودگی نفتی (۱۹۶۹) و پروتکل ۱۹۹۲ جهت اصلاح کنوانسیون تأسیس صندوق بین‌المللی برای جبران خسارت آلودگی نفتی (۱۹۷۱) مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۴ مجلس شورای اسلامی (بند «ب» ماده ۳۶ مکرر سوم).



1 - In Re Equitable Office Bldg. Corporation, 83 F. Supp. 531 (S.D.N.Y. 1949) available in: <https://www.courtlistener.com/opinion/1430757/in-re-equitable-office-bldg-corporation>.

به نظر می‌رسد قوه مجریه در این زمینه نسبت به قوه مقننه پیشگام محسوب می‌شود و دست‌کم در چند آیین‌نامه در سال‌های اخیر از این اصطلاح استفاده کرده است. اولین استفاده از این اصطلاح مربوط به اصلاح آیین‌نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۲ هیئت‌وزیران است. مطابق ماده ۲ مکرر این آیین‌نامه، «اصول اخلاق حرفه‌ای که همه اشخاص در ارائه خدمات مهندسی خود ملتزم به رعایت و لحاظ کردن آن هستند به شرح زیر می‌باشد:

۱. رجحان منافع عمومی، حفظ محیط زیست، میراث فرهنگی و رعایت قانون بر منافع شخصی خود و صاحبان کار به هنگام تعارض منافع...»

همچنین تبصره ۳ ماده ۵۹ این آیین‌نامه مقرر می‌دارد: «به منظور رفع تعارض منافع و تسهیل رقابت سالم و اجتناب از اختلال در انجام وظایف، تصدی هم‌زمان کارکنان دستگاه‌های نظارتی یا اجرایی مرتبط با موضوع قانون مجاز نمی‌باشد.»

پس از آیین‌نامه مزبور، هیئت‌وزیران در آیین‌نامه ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در طرح‌های سرمایه‌گذاری مصوب ۱۳۹۶/۲/۱۷ مجدداً از این اصطلاح استفاده کرد. مطابق ماده ۴ این آیین‌نامه، «اصول و روش‌های ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود به شرح زیر است: الف) ارزش‌گذاری باید با رعایت اصول محرمانگی، شفافیت، بی‌طرفی و اجتناب از تعارض منافع و بر اساس مطالعات بازار داخلی و بین‌المللی، تحلیل مالی، تجاری و اقتصادی و ارزیابی ابعاد فناورانه و محاسبه ریسک (خطر)‌های مربوط باشد و کیفیت و کمیت داده‌ها و اطلاعات، منبع، مستندات، هدف ارزش‌گذاری و روش‌های استفاده‌شده به طور مستند تشریح شود...». همچنین تبصره ۲ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی بند پ ماده ۷۲ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۷/۲/۲۳ هیئت‌وزیران مقرر کرده است: «کلیه اعضای کارگروه (کارگروه بررسی و تدوین فهرست دارویی ایران) باید کاربرگ (فرم) "اعلام تعارض منافع" تدوین شده توسط دبیرخانه کارگروه را تکمیل کنند.»

در حقوق ایران برای اولین بار واژه «تعارض منفعت» در ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ به کار رفته است. مطابق این ماده، «هرگاه مأمور نتواند دادخواست را به شخص مدعی علیه برساند، باید در محل اقامت او به یکی از بستگان یا خادمین او ابلاغ نماید



مشروط بر اینکه به نظر مأمور سن ظاهری این اشخاص برای تمیز اهمیت برگ دادخواست کافی باشد و مشروط بر اینکه بین مدعی علیه و شخصی که برگ را دریافت می دارد تعارض منفعت نباشد.^۱

اولین مقاله حقوقی که اصطلاح «تعارض منافع» را به کار برده است مقاله «اصول آیین دادرسی مدنی» نوشته آقای دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی است (جعفری لنگرودی، بهمن و اسفند ۱۳۴۲: ۲۰-۳۷).

اقسام تعارض منافع

تعارض منافع به اعتبارات مختلفی قابل تقسیم است: به اعتبار اینکه فرد درگیر تعارض منافع است یا سازمان، به تعارض منافع فردی و سازمانی تقسیم می شود و به اعتبار بالقوه یا بالفعل بودن تعارض، به تعارض منافع بالقوه و تعارض منافع بالفعل تقسیم می شود.

۱. تعارض منافع فردی

تعارض منافع فردی حالت معمول تعارض منافع است که در آن یک شخص به دلیل روابط خاص خود دارای منفعی است که ممکن است تحت تأثیر آنها، منافع کسانی را که مسئول حمایت از منافع آنهاست نادیده بگیرد. به عنوان مثال وکیل که قرار است در دادگاه از موکل خود دفاع کند چنانچه با طرف دعوا دارای رابطه مالی، خویشاوندی یا دوستی باشد، ممکن است محکوم شدن طرف دعوا را به نفع خود نداند، و لذا منفعت شخصی وی با منفعت موکلش در تعارض قرار می گیرد. این تعارض در بسیاری از حرف و سمت ها می تواند وجود داشته باشد نظیر پزشکان، حسابداران، مهندسان، قضات و اعضای هیئت مدیره شرکت ها (پرهیزکاری و رزقی، ۱۳۹۶: ۷).

۱. مشابه این مضمون در قوانین و مقررات متعددی تکرار شده است؛ نظیر ماده ۲۹۵ قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۴۵، قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۶۶، ماده ۱۱ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و رسیدگی به شکایت بر طرز عمل و اقدامات اجرایی مصوب ۱۳۲۲ وزیر دادگستری، ماده ۵ آیین نامه های اجرایی مواد ۱۵۱ و ۱۵۷ و ۳۴ و ۳۴ مکرر و اجرای تبصره های ۲ از ماده ۲۵ و ۱۴۴ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۵۲ وزیر دادگستری، ماده ۱۵ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۵۵ وزیر دادگستری، ماده ۷ آیین نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۵ وزیر دادگستری و وزیر بهداشتی و بهزیستی، ماده ۱۵ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۸۷ رئیس قوه قضائیه.

۲. تعارض منافع سازمانی

تعارض منافع سازمانی مشابه تعارض منافع فردی است با این تفاوت که در این حالت منافع یک سازمان درگیر تعارض می‌شود. به‌عنوان مثال فرض کنیم سازمان الف مسئول انجام یک پروژه برای دولت یا بخش خصوصی است و شرکت ب مسئول نظارت بر حسن انجام و پیشرفت امور است. در این حالت چنانچه شرکت ب دارای روابط مالی و ساختاری با سازمان الف باشد، از این حیث که ایرادات کار سازمان را به ذی‌نفعان اطلاع دهد درگیر تعارض منافع می‌شود.

تعارض منافع سازمانی گاهی ممکن است به دلیل تعارض میان درآمدها و وظایف باشد (همان: ۶). به‌عنوان مثال شهرداری وظیفه دارد که مانع انجام ساخت‌وسازهای بدون مجوز شود، ولی در برخی موارد شهرداری می‌تواند با دریافت جریمه از متخلفان، از تخریب ساخت‌وسازها صرف‌نظر کند. در این شرایط چنانچه جریمه‌های مزبور از درآمدهای شهرداری محسوب شود، شهرداری درگیر تعارض منافع میان وظایف و درآمدهای خود است. مشابه این وضعیت حالتی است که بخشی از درآمدهای پلیس حاصل از جریمه‌های رانندگی باشد.

۳. تعارض منافع بالفعل

تعارض منافع زمانی بالقوه است که یک شخص درباره یک قضاوت خاص دارای تعارض منافع است و در وضعیتی قرار گرفته که مجبور است در این خصوص قضاوت کند (Davis, 2001: 14).

۴. تعارض منافع بالقوه

تعارض منافع زمانی بالقوه است که یک شخص درباره یک قضاوت خاص دارای تعارض منافع است، اما هنوز در وضعیتی قرار نگرفته که مجبور باشد در این خصوص قضاوت کند (Ibid).



رابطه تعارض منافع و فساد

«فساد» واژه‌ای عربی از ریشه «ف س د» است. این لغت مقابل واژه «صلاح» می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۳۳۵؛ سعدی، ۱۴۰۸ق: ۲۸۵) و عبارت است از خارج شدن یک شیء از حالت اعتدال (اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۳۶). در فرهنگ معین در تعریف فساد آمده است: «تباه شدن، نابود شدن، از بین رفتن، فتنه، آشوب، زیان، کینه، دشمنی، ظلم، شرارت، بدکاری، بیماری، پوسیدگی، اضمحلال، چرکی شدن عضو، ضد صلاح و به ستم گرفتن مال کسی» (معین، ۱۳۷۹: ۱۸۲). همان‌طور که مشخص است تمام مصادیق ذکرشده در فرهنگ معین در تعریف ارائه‌شده از فساد می‌گنجد؛ زیرا همه آنها از مصادیق خروج از حالت اعتدال‌اند. در زبان انگلیسی برای اشاره به مفهوم فساد از واژه «corruption» استفاده می‌شود. در تعریف این واژه آمده است: «تباهی، انحراف یا آلودگی؛ اختلال در صداقت، فضیلت یا قاعده اخلاقی؛ به‌ویژه اختلال در وظایف یک مقام دولتی با رشوه‌خواری» (Garner, 2009: 397). در زمینه مبارزه با فساد تلاش‌های بین‌المللی متعددی صورت پذیرفته است، ولی مشهورترین آنها کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد (مریدا، ۲۰۰۳)^۱ می‌باشد که کشور ما نیز به موجب «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد»^۲ به این کنوانسیون پیوسته است. در ماده ۸ این کنوانسیون ذیل عنوان «جرم‌انگاری فساد» چنین آمده است: «۱۰. تمامی کشورهای عضو باید تدابیر تقنینی و سایر تدابیر لازم را اتخاذ نمایند تا موارد زیر در صورتی که عمداً انجام شوند، عمل مجرمانه محسوب شوند:

الف) وعده دادن، پیشنهاد کردن یا دادن امتیازی نابجا به یک مقام عمومی، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، برای مقام مذکور یا برای شخص یا نهادی دیگر، تا مقام مزبور در انجام وظایف رسمی خود کاری را انجام دهد یا از انجام آن کار خودداری نماید؛

ب) درخواست یا پذیرش امتیاز نابجا از سوی مقام عمومی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، به نفع خود یا به نفع شخص یا نهادی دیگر، تا مقام مزبور در انجام وظایف رسمی خود کاری را انجام دهد یا از انجام آن کار خودداری نماید؛

1 . United Nations Convention against Corruption (Merida 2003).

۲ . این قانون در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۱ به تصویب مجلس رسید و پس از ایرادات شورای نگهبان برای حل اختلاف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد و در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۲۰ به تأیید مجمع رسید.



۲. تمامی کشورهای عضو باید تدابیر تقنینی و سایر تدابیر لازم را اتخاذ نمایند تا موارد مشروح در بند ۱ این ماده در صورتی که مربوط به مقام عمومی خارجی یا کارمند بین‌المللی باشند، عمل مجرمانه محسوب شوند. به همین ترتیب، تمامی کشورهای عضو، سایر شکل‌های فساد را نیز جرم محسوب خواهند کرد.

۳. کشورهای عضو همچنین تدابیر لازم را اتخاذ خواهند کرد تا معاونت در عمل مجرمانه موضوع این ماده نیز جرم محسوب گردد.

۴. در بند ۱ این ماده و ماده ۹ این کنوانسیون، "مقام عمومی" یعنی هر مقام عمومی یا شخصی که خدمات عمومی مقرر در قوانین داخلی و مندرج در قوانین کیفری کشور عضوی را ارائه می‌دهد که مقام یا شخص مزبور در آن کشور، وظایف مذکور را انجام می‌دهد.

با عنایت به الزام بین‌المللی دولت ایران و نیز نیازهای داخلی، سرانجام چند سال پس از تصویب قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، قانون ارتقای نظام سلامت اداری و مقابله با فساد در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۷ به تصویب رسید. در بند «الف» ماده این قانون در تعریف فساد آمده است: «فساد در این قانون هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید نظیر رشأ، ارتشا، اختلاس، تبانی، سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیرقانونی، جعل، تخریب یا اختفای اسناد و سوابق اداری و مالی.»

به نظر می‌رسد این تعریف طولانی را به نحو موجز و مختصری نیز می‌توان بیان کرد. فساد از منظر سازمان بین‌المللی عبارت است از: «سوءاستفاده از قدرت تفویضی برای منافع شخصی» (Transparency International, 2007: xxi).

با عنایت به توضیحات ذکرشده مشخص می‌شود که موارد «تعارض منافع» با عنایت به اینکه هنوز سوءاستفاده‌ای رخ نداده است، به‌خودی‌خود «فساد» محسوب نمی‌شود، اما بدون شک موقعیت‌های تعارض منافع موقعیت‌هایی هستند که بستر و زمینه‌ساز ارتکاب فساد محسوب می‌شوند.



مدیریت تعارض منافع

شناخت مصادیق تعارض منافع و روابط منجر به این تعارضات، همگی مقدمه‌ای برای بحث نحوه مدیریت تعارض منافع است. بهترین نحوه مدیریت تعارض منافع، پیشگیری از آن است؛ یعنی علاج واقعه قبل از وقوع به نحوی که پیش از اتخاذ تصمیم توسط شخص دارای تعارض منافع، مانع اقدامات وی شد یا حتی یک مرحله قبل از آن، به این صورت که مانع ایجاد روابط منجر به تعارض منافع میان شخص تصمیم‌گیر و دیگران شد. به‌هر حال ممکن است شخص دارای تعارض منافع، به تصمیم‌گیری بپردازد. لذا لازم است تمهیدی نیز برای برخورد با این شخص و نیز رفع اثر از تصمیمات وی اندیشیده شود. با توجه به مطالب مذکور، مدیریت تعارض منافع در دو سطح پیشگیرانه و برخوردمدار قابل بررسی است.

۱. مدیریت پیشگیرانه

مدیریت پیشگیرانه ناظر به شیوه‌هایی است که زمینه بروز تعارض منافع را از بین می‌برد؛ یعنی با شناسایی گلوگاه‌های تعارض منافع، سیاست‌هایی اتخاذ می‌کند که موقعیت‌های تعارض منافع از بین برود یا اگر موقعیت مزبور از بین نمی‌رود، در عمل منجر به فساد نشود. در ادامه به مهم‌ترین ابزارهای مدیریت پیشگیرانه می‌پردازیم.

الف) ممنوعیت استفاده از انجام معاملات مبتنی بر رانت اطلاعاتی

کارگزاران در سمت‌های خود ممکن است دارای اطلاعاتی باشند که افراد معمولی فاقد آنها هستند. لذا اگر قرار باشد کارگزاران از این اطلاعات در راستای منافع خود استفاده کنند، سبب ایجاد رانت اطلاعاتی برای کارگزاران خواهد بود. لذا قانون‌گذار در برخی موارد که چنین شائبه‌ای وجود دارد، افراد را از انجام برخی معاملات که ممکن است اطلاعات کارگزاران در آن دخیل باشد ممنوع کرده است. برای نمونه ماده ۱۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «انجام هرگونه معاملات اوراق بهادار ثبت‌شده یا در شرف ثبت نزد سازمان یا هرگونه فعالیت و مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در انجام معاملات مذکور توسط اعضای شورا، سازمان، مدیران و شرکای مؤسسه حسابرسی سازمان و نیز اشخاص تحت تکفل آنها ممنوع است.»



ب) محدودیت در انجام معامله با دولت

کارگزاران نظام در دستگاه‌های محل خدمت ممکن است دارای اطلاعات و روابط متعدد آشکار و پنهان باشند. اگر دستگاه مزبور بخواهد معامله‌ای با بخش خصوصی انجام دهد، کارمندان همان دستگاه با عنایت به روابط و اطلاعات خود، شانس بیشتری برای برنده شدن در مزایده‌ات و مناقصات دستگاه مزبور دارند. لذا لازم است این امر ممنوع شود. ماده ۱ لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مقرر می‌دارد: «از تاریخ تصویب این قانون اشخاص زیر:

۱. نخست‌وزیر، وزیران، معاونین و نمایندگان مجلسین؛
۲. سفرا، استانداران، فرمانداران کل، شهرداران و نمایندگان انجمن شهر؛
۳. کارمندان و صاحب‌منصبان کشوری و لشکری و شهرداری‌ها و دستگاه‌های وابسته به آنها؛
۴. کارکنان هر سازمان یا بنگاه یا شرکت یا بانک یا هر مؤسسه دیگر که اکثریت سهام یا اکثریت منافع یا مدیریت یا اداره کردن یا نظارت آن متعلق به دولت و یا شهرداری‌ها و یا دستگاه‌های وابسته به آنها باشد؛
۵. اشخاصی که به نحوی از انحا از خزانه دولت یا مجلسین یا مؤسسات مذکور در بالا حقوق یا مقرری یا حق‌الزحمه یا پاداش و یا امثال آن به‌طور مستمر (به استثنای حقوق بازنشستگی و وظیفه و مستمری قانونی) دریافت می‌دارند؛
۶. مدیران و کارکنان بنگاه‌های خیریه‌ای که از دولت یا از شهرداری‌ها کمک مستمر دریافت می‌دارند؛
۷. شرکت و مؤسساتی که پنج درصد یا بیشتر سهام یا سرمایه یا منافع آن متعلق به یک نفر از اشخاص مذکور در فوق و یا بیست درصد یا بیشتر سهام یا سرمایه یا منافع آن متعلق به چند نفر از اشخاص مذکور در فوق باشد و یا اینکه نظارت یا مدیریت و یا اداره و یا بازرسی مؤسسات مذکور با آنها باشد به استثنای شرکت‌ها و مؤسساتی که تعداد صاحبان سهام آن یک‌صد و پنجاه نفر و یا بیشتر باشد مشروط بر اینکه هیچ‌یک از اشخاص مذکور در فوق بیش از پنج درصد از کل سهام آن را نداشته و نظارت یا مدیریت یا اداره و یا بازرسی آن به اشخاص مذکور در فوق نباشد؛



۸. شرکت‌هایی که اکثریت سهام یا سرمایه یا منافع آنها متعلق به شرکت‌های مندرج در بند ۷ باشد نمی‌توانند (اعم از اینکه در مقابل خدمتی که انجام می‌دهند حقوق یا مالی دریافت دارند یا آنکه آن خدمت را به‌طور افتخاری و رایگان انجام دهند) در معاملات یا داوری در دعاوی با دولت یا مجلسین یا شهرداری‌ها یا دستگاه‌های وابسته به آنها و یا مؤسسات مذکور در بند ۴ و ۶ این ماده شرکت نمایند، اعم از اینکه دعاوی مزبور در مراجع قانونی مطرح شده یا نشده باشد (به استثنای معاملاتی که قبل از تصویب این قانون قرارداد آن منعقد شده باشد).

تبصره ۱: پدر و مادر و برادر و خواهر و زن یا شوهر و اولاد بلافصل و عروس و داماد اشخاص مندرج در این قانون و همچنین شرکت‌ها و مؤسساتی که اقربای فوق‌الذکر به نحو مندرج در بند ۷ و ۸ در آن سهام یا دارای سمت باشند نمی‌توانند با وزارت خانه‌ها و یا بانک‌ها و یا شهرداری‌ها و سازمان‌ها و یا سایر مؤسسات مذکور در این قانون که این اشخاص در آن سمت وزارت و یا معاونت یا مدیریت دارند وارد معامله یا داوری شوند.

تبصره ۲: شرکت‌های تعاونی کارمندان مؤسسات مذکور در این ماده در امور مربوط به تعاون از مقررات این قانون مستثنا خواهند بود.»

ماده ۲ همان قانون ضمانت اجرای تخطی از ماده ۱ را به این صورت تبیین کرده است: «اشخاصی که برخلاف مقررات ماده فوق شخصاً و یا به نام و یا واسطه اشخاص دیگر مبادرت به انجام معامله نمایند و یا به‌عنوان داوری در دعاوی فوق‌الاشعار شرکت کنند و همچنین هریک از مستخدمین دولتی (اعم از کشوری و لشکری) و سایر اشخاص مذکور در ماده فوق در هر رتبه و درجه و مقامی که باشند هرگاه برخلاف مقررات این قانون عمل نمایند، به حبس مجرد از دو تا چهار سال محکوم خواهند شد و همین مجازات برای مسئولین شرکت‌ها و مؤسسات مذکور در بند ۷ و ۸ ماده اول که با علم و اطلاع بستگی و ارتباط خود و یا شرکا را در موقع تنظیم قرارداد و انجام معامله اظهار نمایند نیز مقرر است و معاملات مزبور باطل بوده و متخلف شخصاً و در صورت تعدد، متضامناً مسئول پرداخت خسارات ناشی از آن معامله یا داوری و ابطال آن می‌باشند.

تبصره: کارمندان مشمول ماده اول که بر اثر اجرای این قانون مایل به ادامه خدمت دولتی نباشند بازنشسته محسوب و در صورتی که مشمول مقررات بازنشستگی نباشند، کسور بازنشستگی پرداختی دفعتاً واحده به آنان پرداخت می‌شود.»

پ) محدودیت در شرکت در جلسه و تصمیم‌گیری

یکی دیگر از راه‌های مدیریت تعارض منافع آن است که به شخص درگیر تعارض منافع اجازه داده نشود که تصمیم بگیرد و اگر تصمیم‌گیری کرد، امکان ابطال تصمیمات وی وجود داشته باشد.

مصادق بارز ممنوعیت از تصمیم‌گیری در موارد تعارض منافع، جلوگیری از رسیدگی و صدور رأی توسط قاضی درگیر تعارض منافع است. ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «دادرس در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع نموده و طرفین دعوا نیز می‌توانند او را رد کنند:

الف) قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس با یکی از اصحاب دعوا وجود داشته باشد؛

ب) دادرس قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد و یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور دادرس یا همسر او باشد؛

ج) دادرس یا همسر یا فرزند او وارث یکی از اصحاب دعوا باشد؛

د) دادرس سابقاً در موضوع دعوی اقامه شده به‌عنوان دادرس یا داور یا کارشناس یا گواه اظهار نظر کرده باشد؛

ه) بین دادرس و یکی از طرفین و یا همسر یا فرزند او دعوی حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد؛

و) دادرس یا همسر یا فرزند او دارای نفع شخصی در موضوع مطرح باشند.»

در این موارد مطابق ماده ۹۲: «در مورد ماده ۹۱ دادرس پس از صدور قرار امتناع از رسیدگی با ذکر جهت، رسیدگی نسبت به مورد را به دادرس یا دادرسان دیگر دادگاه محول می‌نماید. چنانچه دادگاه فاقد دادرس به تعداد کافی باشد، پرونده را برای تکمیل دادرسان یا ارجاع به شعبه دیگر نزد رئیس شعبه اول ارسال می‌دارد و در صورتی که دادگاه فاقد شعبه دیگر باشد، پرونده را به نزدیک‌ترین دادگاه هم‌عرض ارسال می‌نماید.»

قانون‌گذار برای افرادی نظیر قاضی، داور و کارشناس رسمی ممنوعیتی مشابه مورد فوق پیش‌بینی کرده است، اما برای بسیاری از سمت‌های مهم‌تر نظیر نمایندگان مجلس، وزرا، اعضای شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و بسیاری از شوراهای عالی چنین



ممنوعیتی وجود ندارد، که لازم است در اصلاحات آتی قوانین به آن توجه و این نقایص برطرف شود.

ت) گزارش‌دهی منابع درآمدی

گزارش‌دهی منابع درآمدی یکی از ابزارهایی است که نشان می‌دهد آیا شخص از سمت خود برای منافع شخصی سوءاستفاده کرده است یا خیر. در اصل ۱۴۲ قانون اساسی آمده است: «دارایی رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد.» به‌علاوه ماده ۱ قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر می‌دارد: «مقامات تعیین شده در اصل یک‌صد و چهل و دوم (۱۴۲) قانون اساسی، فهرست دارایی‌های خود، همسر و فرزندان را مطابق آیین‌نامه‌ای که توسط قوه قضائیه ذیل این قانون تهیه و ابلاغ می‌شود، در ابتدا و انتهای دوره مسئولیت به رئیس قوه قضائیه گزارش می‌دهند و قوه قضائیه نسبت به رسیدگی به اموال آنان از جهت بررسی عدم افزایش من غیر حق اقدام می‌نماید.» مطابق ماده ۳ همان قانون، «مقامات و مسئولان زیر موظف‌اند در اجرای این قانون، صورت دارایی خود، همسر و فرزندان تحت تکفل خود را قبل و بعد از هر دوره خدمتی به رئیس قوه قضائیه اعلام نمایند:

۱. نمایندگان مجلس خبرگان رهبری؛
۲. اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
۳. مقامات منصوب از سوی رهبری؛
۴. اعضای شورای نگهبان؛
۵. نمایندگان مجلس شورای اسلامی و معاونان رئیس مجلس و مدیران کل مجلس؛
۶. معاونان رئیس قوه قضائیه و رؤسای سازمان‌ها و دستگاه‌های وابسته به این قوه و معاونان و مدیران کل آنان؛
۷. دادستان کل کشور، رئیس دیوان عالی کشور و رئیس دیوان عدالت اداری و رؤسای کل دادگستری استان‌ها و معاونان همه آنها و سایر دارندگان پایه قضایی؛
۸. مشاوران سران سه قوه؛



۹. رؤسای دفاتر سران سه قوه، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان رهبری؛
۱۰. دستیار ارشد رئیس جمهور، معاونان وزرا، مدیران کل و هم‌ترازان آنها؛
۱۱. دبیران شورای عالی امنیت ملی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، هیئت دولت، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی؛
۱۲. رئیس و دادستان دیوان محاسبات کشور، معاونان آنان و اعضای هیئت مستشاری؛
۱۳. رئیس، قائم‌مقام، معاونان و دبیرکل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛
۱۴. رؤسا و معاونان سازمان‌ها و مؤسسات دولتی، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و مدیران کل آنها؛
۱۵. فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح از درجه سرتیپ تمام و بالاتر و هم‌ترازان آنها و رؤسای کلانتری‌ها؛
۱۶. مدیران عامل، اعضای هیئت‌مدیره بیمه‌ها، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به آنها، رؤسای مناطق و رؤسای شعب ارزی و ویژه و سرپرست‌های مناطق؛
۱۷. رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار و معاونان وی، رؤسای بورس‌های تخصصی، مناطق و فرابورس؛
۱۸. رئیس و اعضای هیئت‌عامل صندوق توسعه ملی؛
۱۹. استانداران و معاونان آنان، فرمانداران، شهرداران و اعضای شورای شهر تمام شهرها و شهرداران مناطق کلان‌شهرها و معاونان آنها؛
۲۰. سفرا و کارداران، سرکنسول‌ها و مسئولان حفاظت منافع و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج کشور؛
۲۱. نمایندگان دولت در مجامع عمومی، هیئت‌مدیره، هیئت‌امنا و مدیرعامل شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی؛
۲۲. اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل و بازرسان مناطق ویژه و مناطق آزاد تجاری و معاونان آنان؛
۲۳. رئیس کل گمرک و معاونان وی و مدیران کل گمرک و رؤسای گمرکات کشور؛
۲۴. رئیس سازمان امور مالیاتی کشور، معاونان، مدیران کل و سرممیزین.



تبصره ۱: رئیس قوه قضائیه موظف است دارایی خود، همسر و فرزندان تحت تکفل خود را قبل و بعد از خدمت به مرجعی که رهبری تعیین می‌کند اعلام نماید.

تبصره ۲: قائم‌مقام مقاماتی که طبق مقررات دارای قائم‌مقام هستند، مشمول این قانون می‌باشند.»

قانون مزبور از حیث مقرر کردن اعلام دارایی از سوی مسئولان، گام مثبتی است، اما سؤال این است که چرا در کشور ما این قانون به درستی اجرا نمی‌شود؟ علت اصلی این امر آن است که برای اعلام نشدن دارایی توسط مسئولان هیچ ضمانت اجرایی وجود ندارد؛ یعنی مسئولی که دارایی خود را اعلام نکند با هیچ محدودیت، ممنوعیت و مجازاتی مواجه نخواهد شد. لذا چه دلیلی دارد کسی قانون مزبور را اجرا کند؟

ث) محدودیت مشاغل

داشتن بیش از یک شغل می‌تواند باعث شود فرد از وظایف و اختیاراتی که در یک شغل دارد به نفع شغل دوم خود سوءاستفاده کند. این امر اصولاً زمانی اتفاق می‌افتد که یک شخص دارای پست دولتی در شرکت‌ها و نهادهای وابسته به دولت یا دارای سمت مدیریت در شرکت‌های خصوصی باشد. قانون‌گذار به این مهم توجه نموده و در اصل ۱۴۱ قانون اساسی مقرر کرده است: «رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت‌مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات، برای آنان ممنوع است. سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثناست.»

ج) محدودیت در گرفتن هدیه

کارگزاران نظام حق ندارند انجام وظایف خود را منوط به دریافت وجه یا مال کنند؛ زیرا این عمل رشوه محسوب می‌شود. به‌عنوان مثال قاضی نمی‌تواند از یکی از طرفین پول یا مالی را بپذیرد. اخذ رشوه توسط قاضی به‌روشنی باعث می‌شود منفعت شخصی قاضی داخل در

مسئولیت حرفه‌ای وی شود، و از موارد روشن تعارض منافع است. لذا از دیرباز در روایات متعددی این امر ممنوع است و در کتاب مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل بابی تحت عنوان «بَابُ تَحْرِيمِ الرِّشْوَةِ فِي الْحُكْمِ وَالرِّزْقِ مِنَ السُّلْطَانِ عَلَى الْقَضَاءِ» آمده است. در کتاب دعائم الاسلام به نقل از امام صادق (ع) آمده است: «مَنْ أَكَلَ الشَّحْتِ الرِّشْوَةَ فِي الْحُكْمِ». جالب اینجاست که تحریم رشوه لزوماً به این دلیل نیست که قاضی رعایت تساوی نکند و به ناحق به نفع یکی از طرفین حکم دهد، بلکه صرف دریافت رشوه حتی اگر قاضی مطابق حق حکم دهد، بازهم حرام است. در ادامه حدیث شریف مزبور از آن حضرت سؤال شده است که اگر قاضی مطابق واقع حکم دهد، بازهم این امر «اکل سحت» است؟ امام می‌فرماید: «حتی اگر به حق حکم دهد.»

این امر به روشنی نشان می‌دهد که تحریم رشوه در امر قضا در واقع به مثابه «جرم مانع» است؛ یعنی مقدمات امری خطرناک ممنوع شده است تا منجر به نتایج بدتر نشود؛ اگرچه ممکن است در عمل و در برخی موارد این اتفاق نیفتد. این قاعده به روشنی بیانگر آن است که تحریم رشوه یکی از راهکارهای مدیریت تعارض منافع است و قرار است با این تحریم، قاضی در موقعیت تعارض منافع که بالقوه می‌تواند زیان‌بار باشد قرار نگیرد.

امروزه جرم ارتشا محدود به قاضی نیست و دایره گسترده‌تری دارد. ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مقرر می‌دارد: «هریک از مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به‌طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی وابسته به دولت و یا مأمورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیررسمی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور می‌باشد وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیرمستقیم قبول نماید در حکم مرتشی است، اعم از اینکه امر مذکور مربوط به وظایف آنها بوده یا نداده و انجام آن برطبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا آنکه در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده باشد به ترتیب زیر مجازات می‌شود:

در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از بیست هزار ریال نباشد، به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیر کل یا هم‌تراز مدیر کل یا بالاتر باشد، به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد و بیش از این مبلغ تا دویست هزار ریال از



یک سال تا سه سال حبس و جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیر کل یا هم‌تراز مدیر کل یا بالاتر باشد، به جای انفصال موقت، به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد. در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از دو‌ست‌هزار ریال تا یک‌میلیون ریال باشد، مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین‌تر از مدیر کل یا هم‌تراز آن باشد، به جای انفصال دائم، به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از یک‌میلیون ریال باشد، مجازات مرتکب پنج تا ده سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین‌تر از مدیر کل یا هم‌تراز آن باشد، به جای انفصال دائم، به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

علاوه بر مواردی که مشمول جرم ارتشاست، کارگزاران نظام نباید هیچ‌گونه هدیه‌ای از دیگران بپذیرند؛ زیرا ممکن است هدیه‌دهنده در حال حاضر توقعی نداشته باشد، اما این امر باعث گرایش کارگزاران نظام به هدیه‌دهنده شود و در آینده ممکن است به نفع وی کارهایی انجام دهند که در حالت عادی انجام نمی‌دادند.

۲. مدیریت برخوردمدار

همان‌طور که بیان شد ممکن است شخص دارای تعارض منافع تصمیم‌گیری کند. لذا لازم است تمهیدی نیز برای برخورد با این شخص و نیز رفع اثر از تصمیمات وی اندیشیده شود. برخی موارد قابل پیش‌بینی که می‌توانند خاصیت اربابی نیز برای شخص دارای تعارض منافع داشته باشند عبارت‌اند از:



الف) ابطال اعمال و تصمیمات

یکی از ضمانت‌های اجرایی تصمیم‌گیری در حالت وجود تعارض منافع، قابلیت ابطال تصمیمات است. به‌عنوان مثال در مواردی ضمانت اجرا در ماده ۳۴۸ همان قانون، «جهات درخواست تجدیدنظر به قرار زیر است:

الف) ادعای عدم اعتبار مستندات دادگاه؛

ب) ادعای فقدان شرایط قانونی شهادت شهود؛

ج) ادعای عدم توجه قاضی به دلایل ابرازی؛

د) ادعای عدم صلاحیت قاضی یا دادگاه صادرکننده رأی؛

هـ) ادعای مخالف بودن رأی با موازین شرعی و یا مقررات قانونی.» در مرحله فرجام‌خواهی نیز می‌تواند یکی از مصادیق بند ۲ یا ۳ ماده ۳۷۱ باشد که مقرر می‌دارد: «ماده ۳۷۱ در موارد زیر حکم یا قرار نقض می‌گردد:

۱. دادگاه صادرکننده رأی صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به موضوع را نداشته باشد و در مورد عدم رعایت صلاحیت محلی، وقتی که نسبت به آن ایراد شده باشد؛
۲. رأی صادره خلاف موازین شرعی و مقررات قانونی شناخته شود؛
۳. عدم رعایت اصول دادرسی و قواعد آمره و حقوق اصحاب دعوا در صورتی که به درجه‌ای از اهمیت باشد که رأی را از اعتبار قانونی ببیندازد.»

قانون‌گذار برای افرادی نظیر قاضی یا کارشناس رسمی چنین ضمانت‌های اجرایی‌ای پیش‌بینی کرده است، اما متأسفانه برای بسیاری از سمت‌های مهم‌تر نظیر نمایندگان مجلس، وزراء، اعضای شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و بسیاری از شوراهای عالی چنین ممنوعیتی وجود ندارد، که لازم است در اصلاحات آتی قوانین به آن توجه و این نقایص برطرف شود.

ب) پیش‌بینی مجازات

قانون‌گذار در برخی موارد، تصمیم‌گیری در موقعیت‌های تعارض منافع را قابل مجازات دانسته است. به‌عنوان مثال، اگر قاضی در مواردی که نباید تصمیم‌گیری کند (موارد رد دادرسی) اقدام به صدور رأی نماید، عمل وی تخلف انتظامی محسوب شده است و می‌توان آن را مصداق بند ۵ ماده ۱۶ قانون نظارت بر رفتار قضات دانست. مطابق ماده ۱۶، «مرتکبان



هریک از تخلفات زیر با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه شش تا ده محکوم می‌شوند:

۱. سوءاستفاده از اموال دولتی، عمومی و توقیفی؛
۲. خودداری از اعتبار دادن به مفاد اسناد ثبتی بدون جهت قانونی؛
۳. خودداری از پذیرش مستندات و لوایح طرفین و وکلای آنان جهت ثبت و ضبط فوری در پرونده؛
۴. خودداری غیرموجه از عزیمت به محل خدمت در موعد مقرر یا ترک خدمت بیش از سی روز؛

۵. استنکاف از رسیدگی و امتناع از انجام وظایف قانونی.» با عنایت به اینکه تکلیف قانونی دادرس در موارد وجود جهات رد دادرس امتناع از رسیدگی است، در صورتی که وی برخلاف این تکلیف عمل کند، رفتار وی مصداق بند ۵ ماده فوق خواهد بود. مجازات‌های انتظامی درجه شش تا ده به ترتیب عبارت‌اند از:

- تنزل یک پایه قضایی و در مورد قضات نظامی تنزل یک درجه نظامی یا رتبه کارمندی؛
 - تنزل دو پایه قضایی و در مورد قضات نظامی تنزل دو درجه نظامی یا دو رتبه کارمندی؛
 - انفصال موقت از یک ماه تا شش ماه؛
 - انفصال موقت از شش ماه تا یک سال؛
- خاتمه خدمت از طریق بازنشستگی با داشتن حداقل بیست و پنج سال سابقه و بازخرید خدمت در صورت داشتن کمتر از بیست و پنج سال سابقه.
- البته مجازات‌های فوق در جایی است که مقام قضایی صرفاً از موارد جهات رد دادرس تخلفی نموده باشد و این عمل وی منجر به جانب‌داری نشده باشد؛ زیرا اگر عمل وی باعث «خروج از بی طرفی در انجام وظایف قضایی» باشد، عمل وی مصداق بند ۴ ماده ۱۷ همان قانون است و مجازات‌های انتظامی درجه هشت تا سیزده (مجازات‌های شدیدتر) را در پی خواهد داشت که به ترتیب عبارت‌اند از:
- انفصال موقت از یک ماه تا شش ماه؛
 - انفصال موقت از شش ماه تا یک سال؛
- خاتمه خدمت از طریق بازنشستگی با داشتن حداقل بیست و پنج سال سابقه و بازخرید خدمت در صورت داشتن کمتر از بیست و پنج سال سابقه؛



- تبدیل به وضعیت اداری و در مورد قضات نظامی لغو ابلاغ قضایی و اعاده به یگان خدمتی؛
- انفصال دائم از خدمت قضایی؛
- انفصال دائم از خدمات دولتی.

قانون‌گذار برای افرادی نظیر قاضی یا کارشناس رسمی چنین مجازاتی را پیش‌بینی کرده، اما متأسفانه برای بسیاری از سمت‌های مهم‌تر نظیر نمایندگان مجلس، وزرا، اعضای شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و بسیاری از شوراها، عالی‌ترین ممنوعیتی وجود ندارد که لازم است در اصلاحات آتی قوانین به آن توجه و این نقایص برطرف شود.

نتیجه‌گیری

از نوشتار حاضر نتایجی به شرح زیر استخراج می‌شود:

الف) عناصر تعریف مزبور عبارت‌اند از:

۱. تعارض منافع یک وضعیت است که به دلیل اعتماد به یک شخص به وجود می‌آید؛
۲. شخص مورد اعتماد قادر به اتخاذ تصمیماتی است که آثار آن دامن‌گیر دیگران می‌شود؛
۳. وجود رابطه یا روابطی خاص میان شخص مورد اعتماد و دیگران باعث به وجود آمدن تعارض منافع است؛

۴. صرف وجود وضعیت تعارض منافع به زیان کسی نیست و مدیریت تعارض منافع در واقع جلوگیری از انحراف احتمالی شخص مورد اعتماد است؛

ب) موارد «تعارض منافع» با عنایت به اینکه هنوز سوءاستفاده‌ای رخ نداده است به خودی‌خود «فساد» محسوب نمی‌شود، اما بدون شک موقعیت‌های تعارض منافع موقعیت‌هایی هستند که بستر و زمینه‌ساز ارتکاب فسادند؛

ج) پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مدیریت صحیح مشتمل بر دو مرحله مدیریت پیشگیرانه و مدیریت برخوردمدار است. مصادیق مدیریت پیشگیرانه تعارض منافع عبارت‌اند از: ممنوعیت استفاده از اطلاعات، محدودیت در شرکت در جلسه و تصمیم‌گیری، گزارش‌دهی منابع درآمدها، محدودیت مشاغل، محدودیت در انجام معامله با دولت و محدودیت در گرفتن هدیه. مصادیق مدیریت برخوردمدار نیز عبارت است از ابطال اعمال و تصمیمات و پیش‌بینی مجازات.



منابع فارسی

کتاب و مقالات

- پرهیزکاری، سیدعباس و ابوالفضل رزقی (۱۳۹۶). **تعارض منافع: دسته‌بندی و مفهوم‌شناسی**، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (بهمن و اسفند ۱۳۴۲). «اصول آئین دادرسی مدنی»، ماهنامه حقوق امروز، ش ۹ و ۱۰.
- معین، محمد (۱۳۷۹). **فرهنگ لغت**، انتشارات امیرکبیر، تهران، ج ۲.
- میلانی‌فر، علیرضا و همکاران (بهمن ۱۳۹۰). «ارزیابی حقوقی تعارض منافع در حقوق نظام سلامت ایران»، **مجله اخلاق و تاریخ پزشکی**، دوره پنجم، ش ۱.

قوانین و مقررات

- قانون اساسی.
- قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد.
- قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل ۱۹۹۲ جهت اصلاح کنوانسیون بین‌المللی مسئولیت مدنی ناشی از خسارت آلودگی نفتی (۱۹۶۹) و پروتکل ۱۹۹۲ جهت اصلاح کنوانسیون تأسیس يك صندوق بین‌المللی برای جبران خسارت آلودگی نفتی (۱۹۷۱) مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۴ مجلس شورای اسلامی.
- قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون آیین دادرسی مدنی.
- قانون ارتقای نظام سلامت اداری و مقابله با فساد.
- قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی.
- لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری.
- قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران.
- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری.
- قانون مالیات‌های مستقیم.
- قانون ثبت اسناد و املاک.



- قانون تأمین اجتماعی.
- آیین‌نامه اجرایی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان.
- آیین‌نامه ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در طرح‌های سرمایه‌گذاری.
- آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی.

منابع عربی

- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، بیروت - لبنان، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - دار صادر، ج ۳.
- سعدی، ابوجیب (۱۴۰۸ق). *القاموس الفقهي لغة و اصطلاحا*، دمشق - سوریه، دار الفكر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، لبنان - سوریه، دار العلم و الدار الشامیه.

منابع انگلیسی

- Davids, Cindy (2008). *Conflict of Interest in Policing: Problems, Practices, and Principles*, Institute of Criminology.
- Davis, Michael and Andrew Stark (2001). *Conflict of Interest in the Professions*, Oxford University Press.
- Field, Marilyn J., Bernard Lo (2009). *Conflict of Interest in Medical Research, Education, and Practice*, National Academies Press.
- Garner, Bryan A. (2009). *Black's Law Dictionary*, 9th edition, West.
- In Re Equitable Office Bldg. Corporation, 83 F. Supp. 531 (S.D.N.Y. 1949) available in: <https://www.courtlistener.com/opinion/1430757/in-re-equitable-office-bldg-corporation>.
- Institute of Medicine (2009). Board on Health Sciences Policy, Committee on Conflict of Interest in Medical Research, Education, and Practice, *Conflict of Interest in Medical Research, Education, and Practice*, National Academies Press.
- Transparency International (2007). *Global Corruption Report, Corruption in Judicial Systems*, Cambridge University press. United Nations Convention against Corruption (Merida 2003).

